

بیانات در دیدار دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و پرستاران / ۱۳۷۱/۰۸/۱۳

آن بلاک بزرگ در جهان امروز، عبارت است از چیزی که بنده می‌توانم آن را به نام «استبداد بین‌المللی» و «دیکتاتوری جهانی» معرفی کنم. این اسم، برای آنچه که امروز بر ملت‌ها می‌گذرد، اسم مناسبی است. استبداد بین‌المللی، مرتبه‌ای اعلا استبداد بین‌المللی و جهانی است. استبداد جهانی معنایش این است که دولت‌ها و قدرتهایی در دنیا هستند که نسبت به ملت‌های دیگر، با برخورد استبدادی مواجه می‌شوند؛ ثروت آن‌ها را می‌برند، در حکومت‌های آن‌ها به دخالت می‌پردازند، در سیاست‌های آن‌ها اعمال نظر می‌کنند و آن‌ها را به این سمت و آن سمت می‌کشانند. این، استبداد بین‌المللی است. همان چیزی که در قرن هجدهم و نوزدهم، با استعمار شروع شد و بعد در قرن بیستم به استعمار نوین مبدل گردید، و امروز، یا در دوران اوج قدرتهای استبدادی، به شکل استبداد جهانی درآمد، که دنیا را بین دو قطب و دو قدرت تقسیم کرده بودند و هرکدام به نحوی ملتی را می‌دوشیدند و در پنجه‌ی خود می‌فشرده‌اند.

امروز چیزی که به استبداد بین‌المللی اضافه شده، عبارت از این است که قدرتهای مستکبر جهانی و در راس آن‌ها ایالات متحده‌ی آمریکا، برای ملت‌های دیگر حق حرف زدن و اظهار نظر کردن هم قائل نیستند. هر کاری که برای سیاست خودشان مفید و لازم بدانند، و لو به ضرر ملتی یا ملت‌هایی باشد، انجام می‌دهند. مثلاً در قضیه‌ی عراق، زیر لگدهای خودشان و به وسیله‌ی نیروهای مسلح و سلاح‌های کشنده‌ی خودشان، منطقه را خرد و خمیر می‌کنند و یا در مناطق گوناگون عالم، با اشاره و یا کمک آن‌ها، انواع فجایع و جنایات انجام می‌گیرد. فرض بفرمایید در فلسطین اشغالی و یا در لبنان و مناطق دیگر، آن همه فاجعه‌آفرینی صورت می‌گیرد، اما اگر ملتی، نظری برخلاف این مطالب ابراز کند یا دولتمردانی در دنیا مخالفت کنند، با استبداد و دیکتاتوری کامل، آن ملت و یا آن دولت را به انواع اتهامات متهم می‌نمایند؛ برای اینکه آن‌ها را از میدان خارج کنند.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و پرستاران / ۱۳۷۱/۰۸/۱۳

بعد از فروپاشی شوروی، همین استبداد به نفع آمریکا و بلوک غرب افزایش پیدا کرده است. بنده در دو، سه نطق بین‌المللی، در مجامع بین‌المللی، روی این نکته به عنوان «سلطه‌ی جهانی» تکیه کردم و امروز احساس می‌کنم استعمال اصطلاح «استبداد جهانی» یا «دیکتاتوری بین‌المللی» گویاتر است. این‌ها نسبت به ملت‌های عالم، دیکتاتوری به خرج می‌دهند و این، آن بلاک بزرگ امروز بشریت است. ملت‌ها از دو حال نمی‌توانند خود را بیرون نگه دارند: یا باید تسلیم شوند، و آن، چیزی است که متأسفانه دولت‌ها آن را می‌خواهند که غارت بشوند و آینده‌ی برای آن‌ها نماند و به این ترتیب به پیشرفت همین روال استعماری و استبدادی در سطح عالم کمک می‌کنند. اما راه دیگر این است که ملت‌ها بایستند و مبارزه کنند. با چه کسی مبارزه کنند؟ طرف مبارزه، اگرچه یک جنس است، اما مختلف است. باید با آن دستگاه و جهتی که دیکتاتوری جهانی را تقویت می‌کند، مبارزه کنند. گاهی با یک دولت است، گاهی با یک دولت دیگر است. گاهی با خود آمریکاست و گاهی با روش‌هایی است مجاهدانه و همراه با از خودگذشتگی؛ مثل آنچه که در فلسطین و لبنان اتفاق می‌افتد. این‌ها مبارزات ملت‌هاست. این مبارزات بحق است یا نه؟ آیا با ناصف‌های عالم می‌توانند مبارزه‌ی یک ملت یا آحادی از ملت را که در مقابل آن موج عظیم قدرت، می‌خواهد مقاومت کند، مورد ملامت قرار دهند؟

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۲/۰۸/۱۳

برای رایج کردن یک گناه در عمل، یکی از راه‌هایش این است که آن گناه را در زبان‌ها رایج کنند. آن قدر بگویند که قبحش از بین برود! شما قضیه‌ی فلسطین و سرنوشت شومی را که بعضی از فلسطینی‌ها برای خودشان و ملت فلسطین قبول کردند، ببینید! امروز این تجربه‌ی بسیار عظیم و عبرت بزرگی است. از بس مدام در گوشه و کنار، کسی چیزی گفت و دیگران به او تشر زدند! هی گفتند: «چه مانع دارد که ما با اسرائیل صحبت کنیم؟!» دیگر نگفتند: «دشمن غاصب!» نگفتند: «این دشمن غاصب است. این در خانه‌ی فلسطینی‌ها نشسته است. چه مذاکره‌ای؟! مذاکره‌ی با او این است که بگویند فلان فلان شده، از خانه ما برو بیرون!» مذاکره‌ی با غاصب، این است. مذاکره‌ی با ظالم این است که بگویند: «فلان فلان شده، چرا این قدر ظلم می‌کنی؟!» مذاکره، یعنی این. و الا، مذاکره‌ی دوستانه، که بروند و بگویند و بخندند و او چیزی بگوید و این چیزی بگوید و بعد چانه بزنند، و اینکه گفته شود «دیگر با غاصب این حرف‌ها را نداریم»، چه معنی دارد؟! هیچ‌کس هم به آن کسانی که هی اسم مذاکره با اسرائیل را آوردند و آوردند و تشر زدند، تا عیب و قبحش در نظرها از بین رفت و آخرش به این روز تلخ و سیاه رسید. نکند کسانی که هی اسم مذاکره را اینجا و آنجا و در داخل ملت ایران می‌آورند، قصدشان این‌ها باشد! ملت ایران، ملتی است که احتیاج به مذاکره و مراد و ارتباط با دشمن مستکبر ندارد. مگر شما ضعیفید؟! مگر ملت ایران ملت کوچکی است؟! مگر ملت ایران، قدرت دفاع از خود را ندارد؟! ما چه احتیاج داریم به اینکه به در خانه‌ی مستکبرین، مستبدین و دیکتاتورهای بین‌المللی برویم؟! من سال گذشته گفتم: این آقایانی که اسم دموکراسی را می‌آورند و پرچم دموکراسی را به اصطلاح و به ظاهر برای ملت‌های خودشان بلند کرده‌اند، همان هم دروغ است و دموکراسی واقعی در این‌گونه کشورها نیست. همان‌ها در سطح بین‌المللی، یک دیکتاتوری عظیم و خونی به راه می‌اندازند. هر جا دلشان می‌خواهد وارد می‌شوند، هر جا دلشان می‌خواهد تفحص می‌کنند، و متأسفانه دستگاه‌های هم آنجا درست شده است به عنوان ابزاری در در دست این‌ها. یعنی سازمان ملل و شورای امنیت! چه لزومی دارد ما سراغ دیکتاتور‌ها برویم؛ در مقابل آن‌ها تعظیم کنیم و بگوییم: «بفرمایید با ما مذاکره کنید؟!» نه آقا! این دیکتاتور، همان دیکتاتوری است که این ملت، آنوقت که هیچ‌چیز نداشت، با مشت خالی و با شعار او را از خانه‌ی خود بیرون کرد. این، همان دیکتاتور است.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۷۴/۱۰/۱۷

رژیم آمریکا خیال کرد که با تصویب مبلغی - حال بیست میلیون دلار نه؛ دو بیست میلیون دلار - دو میلیارد دلار - برای خراب‌کاری در ایران بزرگ و سربلند و اسلامی، کشور ما را در انزوا قرار خواهد داد؛ ولی خودش در انزوا قرار گرفت؛ بدون اینکه بداند و بفهمد!

این‌ها خیال کردند که افکار عمومی عالم نمی‌فهمد چقدر این حرکت سخیف و رسواست. ممکن است حال که افکار عمومی دنیا، این کار را محکوم کرده است و هرچه هم بگذرد بیشتر محکوم خواهد کرد، واقعیات را بفهمند و پشیمان شوند و کاری کنند که یاد این قضیه به فراموشی سپرده شود؛ اما مگر ما می‌گذاریم؟ مگر ما می‌گذاریم این فضاقت آمریکایی فراموش شود؟ همه‌ی دنیا و همه‌ی نسل‌های آینده، باید بدانند که در دورانی، وقاحت رژیم آمریکا به اینجا می‌رسد که صریحاً در مقابل یک دولت آزاد و یک ملت مقتدر، بودجه‌ی خراب‌کاری تصویب می‌کند! زشت‌ترین و محکوم‌ترین کاری که ممکن است دولتی در روابط بین‌الملل انجام دهد؛ همین کار است. دولتمردان آمریکا خیال می‌کنند که دنیا تسلیم دیکتاتوری آن‌ها خواهد شد! این خیال، عجب اشتباهه پر خسارتی برای آن‌ها خواهد بود! البته امروز آن‌ها سرگرم و مست مبارزات دور از اصول انسانی معمول خودشان در باب انتخاباتند و نمی‌فهمند چه می‌کنند. قدری که گرد و غبار فروبندشید، آن وقت می‌فهمند که چه غلطی کرده‌اند. خیال می‌کنند که دنیا تسلیم آن‌ها خواهد شد.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۴/۰۸/۱۳

مسئله، مسأله‌ی مبارزه با استبداد است. مبارزه‌ی با آمریکا به‌خاطر این است که امروز مظهر استبداد در دنیا، رژیم آمریکاست، و الا اگر آمریکا به‌عنوان یک دولت، روش‌ها و هدف‌های استبدادی را نداشت، برای ما مثل بقیه‌ی دولت‌ها بود؛ لیکن امروز دولت و رژیم آمریکا در این دوره از زمان، مظهر کامل استبداد است. استبداد، یعنی حالت فرعونیت، یعنی دیکتاتوری در سطح بین‌المللی. ملت‌ها با دیکتاتوری در کشورهای خودشان مبارزه می‌کنند؛ چه در این مبارزه فائق شوند، چه نشوند؛ اما سر خود را که بالا می‌کنند، می‌بینند یک دیکتاتور بین‌المللی آنجا ایستاده است و در همه‌ی کارها دخالت می‌کند؛ در سرنوشت ملت‌ها دخالت می‌کند، آن هم بر اساس مصالح خودش! اگرچه دیکتاتوری یک فساد حقیقی و یک عیب اساسی برای هر کشوری است که یک نظام دیکتاتوری و یک شخص دیکتاتور بر آن

کشور حکومت کند؛ با این همه هر دیکتاتوری بالاخره ممکن است یکوقت هم به منافع ملت خودش بیندیشد. اما این دیکتاتور بین‌المللی، جز به منافع ملت آمریکا، و آن هم نه همه‌ی ملت آمریکا، بلکه پشتیبانان رژیم حاکم یعنی کارتلها، تراستها، سرمایه‌داران بزرگ و سازمانهای موثر در دولت به چیز دیگری نمی‌اندیشد.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۶/۰۸/۱۲

امروز به فضل الهی، به خاطر انعکاس فریاد شما مردم و انعکاس فریاد این انقلاب در دنیا کارهای بزرگی شده است که آمریکاییها هم از همین می‌ترسند، و الا اگر شما ملت ایران را، اجتماعات عظیم را، فریاد امام بزرگوار را و آنچه را که در طول این هجده سال بعد از انقلاب تا امروز انجام شده است، از دنیا بگیرید و آن را حذف کنید، خواهید دید حکومت دیکتاتوری مطلق ایالات متحده آمریکا به‌عنوان بزرگترین مستکبر جهانی در دنیا یک حکومت بی‌رقیب بلامنازع و بدون مناقشه که حتی کسی به او نمی‌گفت بالای چشمت ابروست و تملقش را هم می‌گفتند بزرگترین ضربه را خورده است.

بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان / ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

راجع به دشمنی سلطه‌گران و نظام استکبار با جمهوری اسلامی خیلی حرف زده‌ام و خیلی تکرار کرده‌ام. دلم می‌خواهد روی این جمله قدری تأمل و فکر کنید؛ مسئله بسیار مهم است. کار مهمی در اینجا صورت گرفته و می‌گیرد. حقیقتاً سردمداران سلطه جهانی که همه دنیا و منافع آن را برای خود مباح می‌دانند، احساس می‌کنند در درس بزرگی افتاده‌اند. نمونه‌ای که همه دنیا را مال خودشان می‌دانند. همین چیزی است که ملاحظه می‌کنید. آمریکاییها می‌گویند ما ناوگان خود را به خلیج فارس آوردیم، چون منافع ما در آنجاست! سلطه و استکبار جهانی، خود را محتاج این نمی‌بیند که از روشهای متداول و قانونی و متعارف کسب منفعت استفاده کند. همه دنبال منافع خودشان هستند؛ منتها به دنبال منافع رفتن، راه دارد. انسان می‌رود چیزی می‌دهد و چیزی می‌گیرد؛ مذاکره‌ای می‌کند و امتیازی می‌دهد؛ اما این‌ها حاضر نیستند از این قوانین پیروی کنند؛ کشتی جنگی می‌فرستند! هرجا منافع نظام سلطه اقتضا کند، باید در آنجا حضور قدرت‌مندان پیدا کند! اگر اندکی این منافع تهدید شود، چنانچه بتوانند، همان کاری را می‌کنند که در افغانستان کردند؛ بدون هیچ‌گونه اشکال و مانع و رادعی برای خودشان. هیچ فکر نمی‌کنند. مگر سرشان به سنگ بخورد؛ و الا مانعی در راه خودشان نمی‌بینند و آن را حس نمی‌کنند؛ اصلاً احتیاجی نمی‌بینند. به آمریکا می‌گویند آیا شما در قضیه حمله به افغانستان، از شورای امنیت مجوز دارید؟ وزیر محترم‌شان مصاحبه می‌کند و می‌گوید احتیاجی به شورای امنیت نیست! شما که ادعا می‌کنید فلان‌کس یا فلان گروه یا فلان سازمان، برجهای دوقلوی عزیزتان را در نیویورک هدف قرار داده و نابود کرده و به خاک سیاه نشانده است، آیا دلیل و شاهد و مدرکی هم به کسی ارائه کرده‌اید؟ می‌گویند احتیاج به ارائه مدرک نیست! یعنی دیکتاتوری در سطح بین‌المللی. ملتها با دیکتاتورهای کشور خود مبارزه می‌کنند و جان می‌دهند، برای اینکه دیکتاتور را از بین ببرند و یک حاکم مردمی بر سر کار بیاورند؛ بعد همین مردم مجبور باشند دیکتاتوری بین‌المللی بیگانه آمریکا را در امور کشور خود قبول کنند. اینکه من بارها دشمنی سلطه جهانی با ایران را تکرار کرده‌ام، با توجه به این حقایق است.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

مهم‌ترین مسئله در مسائل خارجی ما- که به مساله‌ی کنونی کشور ما هم ارتباط مستقیم دارد- فلسطین است. مساله‌ی فلسطین فقط مساله‌ی یک ملت نیست؛ مساله‌ی حاکمیت دیکتاتوری بین‌المللی و حاکمیت زور است. شما ببینید امروز در اراضی فلسطین چه می‌گذرد! امروز ما فاجعه‌بارترین حوادث خونین را در فلسطین شاهدیم. دولت غاصب و جعلی اسرائیل با نیروی نظامی خود، با تانک و هواپیما و آتش بی‌رحمی و ظلم خود، شهرهای فلسطین را محاصره کرده است و یکی پس از دیگری وارد این شهرها می‌شود؛ مردم را قتل عام و خانه‌ها را ویران می‌کند؛ یک روز رام الله، یک روز نابلس، یک روز جنین و امروز الخلیل و شهرهای دیگر. فاجعه‌هایی که در این شهرها به وجود آمده است، قابل وصف نیست. نیروی نظامی وارد شهری شود، زن و مرد و کودک را دستگیر کند و بکشد و یا زخمی کند! ده‌هزار مجروح و هزاران شهید در این شهرها امروز وجود دارد. هزاران جوان را از خانه‌هایشان ربودند و به نقاط نامعلوم بردند و خانه‌های بی‌شماری را ویران کردند. شنیدم در شهر جنین، هفتاد درصد خانه‌ها ویران شده است! هفتاد درصد خانه‌های یک شهر را تانکها بیابند ویران کنند! این جنایات، مقابل چشم بشریت است.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

این مساله‌ی قطع یکماهه‌ی نفت که ما گفتیم، یک مساله‌ی اساسی است. با این مسئله نمی‌شود سطحی برخورد کرد. البته یک مساله‌ی نمایشی هم نیست که دولتی تنها بایستد و بگوید من نفت خود را قطع می‌کنم؛ معلوم نیست چه طوری قطع می‌کند یا نمی‌کند. این یک مساله‌ی جدی و واقعی است و باید همه تصمیم بگیرند.

آمدند گفتند که قطع نفت به ضرر کشورهای قطع‌کننده است؛ در حالی که این طور نیست؛ این خطای در محاسبه است. قطع نفت به ضرر ملتها نیست؛ به سود آنهاست. همین الان شما می‌بینید در نوسانات قیمت نفت، چند صباح قیمت به بیست و چهار دلار، بیست و پنج دلار می‌رسد؛ اما بعد از چند روز به پانزده دلار، شانزده دلار کاهش پیدا می‌کند. از بالا رفتن و پایین آمدن قیمت‌ها ملتها این همه ضرر می‌بینند؛ چون اختیار در دست دیگران است. با قطع یک ماه نفت، این قدرت تصمیم‌گیری در ملتهای اسلامی آشکار خواهد شد. ملتها و دولتهای اسلامی نشان می‌دهند که می‌توانند علیه دیکتاتوری بین‌المللی و علیه خواست زورگویی که فقط به سرنیزه متکی هستند، اقدام کنند. باید این کار را بکنند؛ این اجتناب‌ناپذیر است.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش / ۱۳۸۱/۰۲/۲۶

نکته‌ی دیگر این است که می‌گوید مردم ایران تمایل به پیشرفت و ترقی دارند. در این شکی نیست و سخت هم کار می‌کنند. مردم و مسئولان ایران بعد از انقلاب، میدان را برای پیشرفت و ترقی باز دیدند و تلاش می‌کنند؛ اما این شما هستید که نمی‌خواهید؛ شما که دشمن ملت ایران هستید، به‌هیچ‌وجه این پیشرفت را بر نمی‌تابید؛ لذا مانع‌تراشی می‌کنید. ببینید در صحنه‌ی بین‌المللی و در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی چقدر رژیم ایالات متحده آمریکا علیه ملت و نظام مردمی ایران دسیسه‌چینی کرده است. می‌گوید ملت ایران مثل بقیه‌ی ملتهای دنیا پیشرفت می‌خواهند. بله؛ پیشرفت می‌خواهند. فقط این هم نیست؛ ملت ایران مثل اکثر ملتهای دنیا از شما متنفر است؛ این هم یک واقعیت است. یکی دو ماه قبل از این، نظرخواهیها را منتشر کردند؛ معلوم شد در کشورهای اسلامی و کشورهای منطقه‌ی آسیا و خاورمیانه، منفورترین دولتها در چشم مردم، دولت امریکاست. این دیگر مخصوص ملت ایران نیست؛ ملت ایران در نفرت از شما با دیگر کشورها شریک است. شما ببینید یک روز بود که فقط در ایران پرچم آمریکا با آدمک رئیس‌جمهور آمریکا و یا نماد آمریکایی را آتش می‌زدند؛ اما امروز کجای دنیا این کار را نمی‌کنند؟ حتی در اروپا و کشورهای آسیایی هم پرچم آمریکا را آتش زدند. شما در دنیا بدانید. رژیم دیکتاتور و مستبد بین‌المللی آمریکا در دنیا بدنام و منفور است؛ این ابراز نفرت، مخصوص ملت ایران نیست. البته خیلی از ملتها جرات نمی‌کنند؛ به خاطر اینکه بعضی از حکومتها مانعند. ملت و حکومت ایران به فضل پروردگار شجاعند؛ لذا آزادانه و بدون هیچ قید و بندی، احساسات خود را علیه آمریکا ابراز می‌کنند و «مرگ بر آمریکا» را جزو شعارهای اصلی خود قرار داده‌اند.

رئیس‌جمهور آمریکا ادعا می‌کند طرف‌دار جناحی به نام اصلاح‌طلب در ایران است. دروغ می‌گوید! اولاً شما طرف‌دار هیچ جناحی از جناحهای معتقد به انقلاب نیستید. ثانیاً طرف‌دار اصلاح هم نیستید. هر اصلاحی بخواهد در این کشور انجام گیرد، یقیناً برخلاف نظر رژیم دیکتاتور و مستبد و سلطه‌جوی بین‌المللی امریکاست. ثالثاً اگر بفرض چیزی به نام اصلاحات باشد که نسخه‌ی آن را شما برای مردم ایران بنویسید، آن‌ها این اصلاحات را اصلاحات آمریکایی خواهند دانست و آن را در زباله‌دان می‌اندازند. بزرگترین حرکت اصلاحی را در این کشور، انقلاب اسلامی و امام بزرگوار این ملت انجام دادند. امروز هم هر حرکتی که در جهت تحکیم پایه‌های انقلاب و اعمال قانون اساسی مترقی و مدرن ما انجام گیرد، بلاشک یک حرکت اصلاحی است و مردم از آن حمایت می‌کنند. هر کاری که از لحاظ علمی،

دینی، عملی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی در جهت پیشرفت مردم ایران باشد، یک حرکت اصلاحی است و مردم از آن حمایت می‌کنند.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۸۱/۰۶/۳۰

ادعای من این است که ما توانسته‌ایم در حد قدرت معقول انسان‌هایی در حد انسانهای ضعیفی مثل ما، علی‌رغم همه‌ی دشمنیهای جهانی، این راه را ترسیم کنیم و این شاخصها را به دنیا نشان دهیم. علت جاذبه‌ای که امروز نام مبارک امام رضوان الله علیه و نام جمهوری اسلامی در دنیا دارد، همین‌هاست؛ چون توانسته‌ایم این شاخصها را در رفتار حکومت اسلامی ثبت کنیم. البته مزاحمت می‌کنند، مخالفت می‌کنند، اذیت می‌کنند؛ اما تنها راه مقابله با مزاحمتها و اذیتها و کارشکنیها، استقامت و ایستادگی است. ملت ایران بحمد الله ایستاده است. بخصوص جوانان بااراده و مومن ما ایستاده‌اند؛ ما هم به فضل الهی ایستاده‌ایم. این امواج جهانی و این تبلیغات گمراه‌کننده نخواهد توانست ما را تسلیم خواسته‌های آنها کند. آنها می‌خواهند این نظام هم مثل نظامهای دست‌نشاندهی آنها تسلیم خواست آنها شود و برای اعمال سلطه‌ی دیکتاتوری بین‌المللی آمریکا و اشباه آمریکا راه را باز کند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۱/۰۷/۱۳

هنوز نیم قرن از ظهور اسلام و اصل بعثت نگذشته بود که بیش از نیمی از دنیای متمدن تحت تاثیر اسلام قرار گرفت. خیال نکنید حکومت‌هایی مثل امپراتوریهای قدرتمند، علم و عقل و تشکیلات و نیروی نظامی و ادعا و غرور و تکبر نداشتند؛ چرا، لیکن ایمان صریح، روشن و متکی به منطق قوی وقتی در دل انسانهای باهمت و بااخلاص و فداکار قرار گیرد، همه‌ی این موانع برداشتنی است. امروز هم همان‌طور است؛ ایمان اسلامی، ایمانی است که متکی به منطق و استدلال و متضمن خیر و سعادت بشر است. شاید اگر چهل، پنجاه سال پیش کسی این ادعا را می‌کرد، خیلی قابل قبول نبود. آن روز سوسیالیسم با حجم عظیم خود همه را تهدید می‌کرد و با همه بر سر تحدی بود. این طرف هم در مقابل، لیبرال دموکراسی غرب پر ادعا بود. آن سرنوشت سوسیالیسم است که به آن روز دچار شد؛ این هم واقعیت‌های لیبرال دموکراسی غرب است. یک نمونه‌اش را شما در هیاهوی لشکرکشی به عراق می‌بینید که حکومتی مثل حکومت آمریکا به خود حق می‌دهد در امور منطقه‌ی حساسی مثل خاورمیانه دخالت کند و این را حق خود بداند. این یعنی زورگویی و دیکتاتوری. به عنوان مقابله با دیکتاتوری، این‌ها بدترین شکل دیکتاتوری را اعمال می‌کنند؛ به سر وقت ملت‌ها رفتن، به بهانه‌ی وجود کسی در راس حکومت! در افغانستان هم به شکل دیگر، ملت‌ها را زیر فشار اسلحه قرار می‌دهند و بعد برای آینده‌ی خود، برای نفت خود، برای پایگاه نظامی و برای قدرت سیاسی خود، زمینه درست می‌کنند. این امروز عمل لیبرال دموکراسی حاکم بر دنیای غرب است. ممکن است بوق‌های تبلیغاتی فضا را تحت تاثیر قرار دهند، اما در بلندمدت حقایق از چشم بشر پنهان نخواهد ماند. نمونه‌ی دیگرش، حمایت از رژیم غاصب صهیونیست است. این هم یکی از آثار و ثمرات همان لیبرال دموکراسی است.

بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان / ۱۳۸۱/۱۳/۰۶

البته آنها در بلندگوها از بحث آزاد و گفتگو و دموکراسی سخن می‌گویند؛ اما این شعارهای دروغین است. آنها اهل گفتگو، دموکراسی و بحث آزاد نیستند. در داخل ایران، پلورالیسم، شکاکیت، شک در مسلمات و اولیات اعتقادی و تسامح و تساهل را ترویج می‌کنند؛ می‌گویند از عقایدتان بگذرید و نسبت به آنها تساهل و تسامح داشته باشید. اما این مربوط به داخل جامعه‌ی ایران و جوامع اسلامی است. وقتی بحث به جایی می‌رسد که خودشان آن را ارزشهای آمریکایی و غربی خطاب می‌کنند، دیگر جای گفتگو نیست. مشابه‌سازی، یکسان‌سازی و جهانی‌سازی، اعتقادات مسلمانی است که دنیا باید در مقابل آنها کوچک‌ترین اعتراضی نکند! در اینجا دیگر چهره‌ی دیکتاتوری به خود می‌گیرند. پرچم دموکراسی و آزادی‌خواهی یک دروغ آشکار است. کدام آمریکا می‌خواهد به مردم دنیا آزادی هدیه دهد؟! آمریکایی که برای حفظ منابع خود، ملت‌ها را با فجیع‌ترین وضع به بدبختی سوق می‌دهد؟! آمریکایی که فجیعش در ویتنام و افغانستان فراموش نشده و نخواهد شد- این فجایع هنوز هم ادامه دارد- و امروز هم مردم عراق را تهدید می‌کند؟! در اینجا با پرچم دموکراسی پیش می‌آید؛ اما نوبت به مردم فلسطین که می‌رسد، از دموکراسی خبری نیست! آیا مردم فلسطین انسان نیستند؟! امروز دنیا با سلطه‌ی استکبار جهانی وضع رفت‌باری پیدا کرده است. فرهنگ اسلامی آنها را به چالش می‌کشد. این نیت و همت و توکل اسلامی است که یک ملت را قادر می‌سازد تا در مقابل ظلم و استبداد و دیکتاتوری جهانی بایستد و قرص و محکم حرف خود را بزند و ملت‌ها بشنوند.

بیانات در دیدار مردم ورامین / ۱۳۸۲/۰۲/۲۳

امروز آمریکاییها در دنیا به دنبال ایجاد یک دیکتاتوری جهانی‌اند؛ غافل از اینکه دیکتاتوری جهانی، آن هم متکی به زور سرنیزه و گلوله، به‌وسیله‌ی ملت‌های آزاده‌ی دنیا سرکوب خواهد شد. ملتی که آزاده و دارای عزم باشد، دیکتاتوری را قبول نمی‌کند؛ داخل کشور خودش هم قبول نمی‌کند، از دیکتاتور محلی هم قبول نمی‌کند؛ همچنان که از رژیم طاغوت، ملت ایران قبول نکرد، چه برسد از بیگانگان! امروز ببینید در سرزمین فلسطین، رژیم ادعایی و غاصب اسرائیل با مردم چه می‌کند! این نشانه‌های زورگویی و یک‌جانبه‌گرایی است. اسرائیل نسبت به مردم فلسطین که صاحبان آن سرزمین هستند، جنایت می‌کند؛ آمریکاییها هم از آنها صریحا حمایت می‌کنند. همین‌ها به عراق آمده‌اند و ملت عراق را زیر سلطه گرفته‌اند و با کمال وقاحت به آنها زور می‌گویند. خیال هم می‌کنند کارشان به جایی خواهد رسید؛ اما قطعا به جایی نمی‌رسد و ملت عراق تحمل نخواهد کرد و یقینا دیکتاتوری جهانی و بین‌المللی‌ای که آمریکا به دنبال آن است، محکوم به سقوط و فناست.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین / ۱۳۸۲/۰۹/۲۶

تناقض در رفتار و گفتار غربی‌ها و دستگاه استکبار و بخصوص آمریکا- که ما امروز با آمریکا کار داریم؛ با دیگران فعلا کاری نداریم- خیلی بیش از این حرف‌هاست. این‌ها چقدر از حکومت‌های غیر دموکراتیک را، یعنی حکومت‌هایی که برای یک‌بار هم در کشورشان صندوق انتخابات گذاشته نشده و از کسی رای گرفته نشده، قبول کرده و با آنها مثل یک حکومت دموکراسی رفتار کرده‌اند و چقدر از دموکراسی‌ها را با کودتای نظامی به هم زده‌اند! ان شا الله عمرتان آن‌قدر طولانی خواهد شد که ده بیست سال دیگر که بتدریج اسناد کودتاهای بیست، سی سال گذشته‌ی آمریکا لاتین را از آرشیوهای وزارت خارجه‌ی آمریکا بیرون می‌دهند، ببینید- البته بعضی از این اسناد الان هم بیرون آمده؛ بعضی‌اش را هم خود ما بدون اینکه آنها از آرشیوشان بیرون بیاورند، می‌دانیم- که در سرتاسر آمریکا لاتین شاید کشوری نماند که در آن اگر انتخاباتی شد و آزادی‌ای بود و اگر رئیس‌جمهور مورد علاقه‌ی مردمی بود، سیاه آمریکا وارد کار نشد و کودتا راه نینداخت؛ مزاحمت ایجاد نکرد و پدر دموکراسی‌های مردمی را در نیآورد. حالا شیلی معروف است و همه ماجرای آن کشور را می‌دانند. در آفریقا و آسیا و در جاهای مختلف دیگر هم این کار را کردند. چقدر حکومت دیکتاتوری به پشتوانه‌ی آمریکا به وجود آمد که از نظامی در یک کشور، بی‌فید و شرط حمایت کردند و آنها به پشت‌گرمی آمریکا کشتند، زدند، بردند و بیست سی سال حکومت کردند! در کشور خود ما حکومت طاغوت و دیکتاتوری سیاه دوره‌ی رضا خان را که نظیرش کمتر در تاریخ ما دیده شده، انگلیسی‌ها سر کار آوردند. بعد همان‌ها محمد رضا را هم سر کار آوردند. پس از مدت کوتاهی که دکتر «مصدق» با نهضت ملی سر کار آمد، یکی دو سالی هرطور بود تحمل کردند، آخر تحملشان تمام شد و خود آمریکا و انگلیس باهم همدست شدند و کودتای ۲۸ مرداد را راه انداختند و بیست و پنج سال حکومت دیکتاتوری سیاه مبتنی بر کودتای سرلشکر «زاهدی» را در ایران سرپا نگه داشتند.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۸۲/۱۱/۰۸

نگاهی گذرا به جنایات تکان‌دهنده صهیونیست‌های غاصب در فلسطین که با حمایت دولت آمریکا صورت می‌گیرد و نیز مطالعه رفتار اشغالگران در عراق و افغانستان

عمق شقاوت کسانی را آشکار می‌سازد که دنیا را از ادعای ریاکارانه حقوق بشر و طرف‌داری از دموکراسی و آزادی پر کرده‌اند. آنان با شعار مبارزه با تروریسم، فجیع‌ترین شکل ترور را مرتکب می‌شوند، به نام آزادسازی ملت‌ها، دیکتاتوری و غارتگری خود را بر ملت‌ها تحمیل می‌کنند. آمریکا صریحا خود را در تجاوز به کشورهای و ملت‌ها ذی‌حق می‌شمارد. دولت صهیونیست صریحا شخصیت‌های فلسطینی را به ترور تهدید می‌کند.

بیانات در دیدار معلمان / ۱۳۸۶/۰۲/۱۲

کشور در حال یک تحرک جدی به سمت جلوس است؛ هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ نظامی و هم از لحاظ استحکام بنیه‌های اقتصادی. نظام اسلامی در عمل دارد نشان می‌دهد که یک نظام ریشه‌دار، اثرگذار و دارای اقتدار درون‌زاست؛ نه اقتداری که بعضی از کشورهای بیچاره و سیاستمداران نگویند دارند، که ناشی از حمایت فلان قدرت و بهمان قدرت است؛ نه، اقتدار نظام سیاسی جمهوری اسلامی، اقتدار درون‌زاست؛ مثل یک کوه که بیش از آن مقداری که از کوه دیده می‌شود و در زیر زمین، ریشه‌های آن کوه است؛ نظام اسلامی دارد نشان می‌دهد که این‌گونه است و روز به روز هم در این جهت جلو رفته است. ما داریم به سمت جلو حرکت می‌کنیم و حرکت هم حرکت آرامی نیست؛ حرکت سریعی است.

این ایستادگی را مستبدین عالم نمی‌پسندند. فلان پادشاه دورافتاده فلان کشور، در ردیف این مستبدین محسوب نمی‌شود. مستبدترین مستبدان عالم، آن کسانی‌اند که در راس نظام استکبار جهانی نشسته‌اند. ظاهر قضیه در کشور آنها، ظاهر دموکراسی است - که آن هم باطن دموکراسی نیست - اما رفتار آنها در سطح بین‌المللی، رفتار دیکتاتورمآبانه‌ی یک دیکتاتور خشن است. این‌ها نمی‌پسندند که یک ملتی، نظام سیاسی‌ای را بر سر کار بیاورد که این‌چو در مقابل مطامع آنها و در مقابل دست‌اندرزای‌های آنها بایستد؛ ولی می‌بینند که ملت‌های مسلمان دیگر، تحت تاثیر این حرکت عظیم و نیرومند اسلامی در ایران قرار گرفته‌اند.

بیانات در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۶/۰۳/۱۲

ساخت استبدادی و دیکتاتوری به شکل بسیار مدرن و پیشرفته، امروز در بسیاری از کشورهای غربی و در راس آنها در آمریکا مستقر و حاکم است. آنجا مردم به معنای انسان‌های صاحب اختیار و صاحب اراده، نقشی در بر سر کار آوردن حکومتها ندارند؛ پول است و زور صاحبان سرمایه و زرسالاران است که همه چیز را تعیین می‌کند و همه چیز را در مجرای دلخواه خود به حرکت می‌اندازد.

بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر / ۱۳۸۸/۰۷/۱۲

عزیزان من! جوانان برومند دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران! شما یکی از پایه‌های مستحکم اقتدار این کشور محسوب می‌شوید. هر ملتی حق دارد و وظیفه دارد که در اقتدار خود بکوشد. ملت‌ها اگر خود را به مرحله‌ی اقتدار نرسانند، در کشاکش درگیری‌های جهانی و قدرت‌طلبی‌ها لگدمال خواهند شد. آن ملتی که به ضعف خو کند، ضعف را برای خود عیب بزرگ نشمارد، آن ملت شایسته‌ی سربلندی و عزت نیست. قدرتها، چکمه‌پوشان عالم، سرنیزه‌داران مستبد و دیکتاتور بین‌المللی، به چنین ملتی رحم نخواهند کرد. ملت‌ها وظیفه دارند خود را مقتدر کنند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید میث / ۱۳۹۰/۰۴/۰۹

ما ملت ایران هم خوشحال و خوشوقتم از این که می‌بینیم ملت‌های مسلمان دارند حرکت میکنند و آزادی و کرامت خودشان را به دست می‌آورند. از آغاز پیدایش و پیروزی این انقلاب در ایران، مواضع انقلاب نسبت به مسائل منطقه، حرکت‌های منطقه، قیام‌های منطقه، روشن بوده است. هر جایی که حرکت بر ضد استکبار است، بر ضد صهیونیسم است، بر ضد دولت غاصب صهیونیستی در کشور عزیز فلسطین است، این حرکت، حرکت مقبول و مورد حمایت و تایید ماست. هر جا حرکت علیه آمریکاست، علیه این دیکتاتوری بین‌المللی است - که امروز آمریکا یک دیکتاتوری بین‌المللی به وجود آورده است - هر جا حرکت علیه دیکتاتوری‌های داخلی است، برای احقاق حق ملت‌هاست، ما با آنها موافقیم.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» / ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

امروز در کشورهای اسلامی علیه دیکتاتوری‌های وابسته قیام شده است؛ این مقدمه‌ای است برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و دیکتاتوری بین‌المللی، که عبارت است از دیکتاتوری شبکه‌ی فاسد و خبیث صهیونیستی و قدرتهای استکباری. امروز استبداد بین‌المللی و دیکتاتوری بین‌المللی متجسم است در دیکتاتوری آمریکا و پیروان آمریکا و شبکه‌ی شیطانی و خطرناک صهیونیستی. امروز اینها با روش‌های مختلف و با ابزارهای گوناگون در همه‌ی دنیا دارند دیکتاتوری میکنند. آنچه شما در مصر انجام دادید، در تونس انجام دادید، در لیبی انجام دادید، در یمن دارید انجام می‌دهید، در بحرین دارید انجام می‌دهید، در کشورهای دیگر انگیزه‌ی آن بشدت به وجود آمده است، جزئی از مبارزه‌ی با این دیکتاتوری خطرناک و مضر است که دو قرن است دارد بشریت را فشار می‌دهد. این پیچ تاریخی‌ای که گفتم، عبارت است از تحول از سیطره‌ی چنین دیکتاتوری‌ای به آزادی ملت‌ها و حاکمیت ارزشهای معنوی و الهی؛ این پیش خواهد آمد؛ استبعاد نکنید.

بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد / ۱۳۹۱/۰۶/۰۹

شرایط کنونی جهان فرصتی شاید تکرارنشده‌ی برای جنبش عدم تعهد است. سخن ما آن است که افاق فرمان جهان نباید با دیکتاتوری چند کشور غربی اداره شود. باید بتوان یک مشارکت دموکراتیک جهانی را در عرصه‌ی مدیریت بین‌المللی شکل داد و تضمین کرد. این است نیاز همه‌ی کشورهای که مستقیم یا غیرمستقیم از دست‌اندازی چند کشور زورگو و سلطه‌طلب زیان دیده‌اند و می‌بینند.

شورای امنیت سازمان ملل دارای ساختار و سازوکاری غیرمنطقی، ناعادلانه و کاملا غیر دموکراتیک است؛ این یک دیکتاتوری آشکار و یک وضعیت کهنه و منسوخ و تاریخ مصرف گذشته است. با سو استفاده از همین سازوکار غلط است که آمریکا و هم‌دستانش توانسته‌اند زورگوئی‌های خود را در لباس مفاهیم شریف بر دنیا تحمیل کنند. آنها میگویند «حقوق بشر»، و منافع غرب را اراده میکنند؛ میگویند «دموکراسی»، و دخالت نظامی در کشورها را به جای آن می‌نشانند؛ میگویند «مبارزه با تروریسم»، و مردم بی‌دفاع روستاها و شهرها را آماج بمبها و سلاح‌های خود میسازند. در نگاه آنها، بشریت به شهروندان درجه‌ی یک و دو و سه تقسیم میشوند. جان انسان در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ارزان، و در آمریکا و غرب اروپا گران قیمت‌گذاری میشود. امنیت آمریکا و اروپا مهم، و امنیت بقیه‌ی بشریت بی‌اهمیت دانسته میشود. شکنجه و ترور اگر به دست آمریکائی و صهیونیست و دست‌نشانندگان آنها صورت گیرد، مجاز و کاملا قابل چشم‌پوشی است. زندان‌های مخفی آنها که در نقاط متعددی در قاره‌های گوناگون شاهد زشت‌ترین و نفرت‌انگیزترین رفتارها با زندانیان بی‌دفاع و بی‌وکیل و بی‌محاکمه است، وجدان آنان را نمی‌آزارد. بد و خوب، کاملا گزینشی و یکطرفه تعریف میشود. منافع خود را به نام «قوانین بین‌المللی»، و سخنان تحکم‌آمیز و غیرقانونی خود را به نام «جامعه‌ی جهانی» بر ملت‌ها تحمیل میکنند و با شبکه‌ی رسانه‌ای انحصاری سازمان‌یافته، دروغ‌های خود را راست، و باطل خود را حق، و ظلم خود را عدالت‌طلبی وانمود میکنند و در مقابل، هر سخن حقی را که افشاگر فریب آنها است، دروغ، و هر مطالبه‌ی برحقی را یاغیگری مینامند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

رئیس‌جمهور آمریکا میگوید «ما به سوریه حمله کرده‌ایم برای مبارزه‌ی با به کار بردن سلاح شیمیایی»! این حرف دروغ است؛ آنها [هستند که] با به کار بردن سلاح شیمیایی - نه سلاح شیمیایی و نه هر جنایت دیگری علیه بشریت - مخالفتی ندارند؛ الان روزانه یمن دارد بمباران میشود، اینها دارند حمایت میکنند؛ در مناطق

مختلف عالم، مسلمانها زیر فشار قرار میگیرند، اینها از آن ظالم حمایت میکنند و به او کمک میکنند؛ اینها از اینکه مردمی رنج ببرند، درد بکشند، ناراحت نمیشوند. همینها از صدام جنایتکار پشتیبانی کردند، حمایت کردند؛ هزاران نفر از مردم ایران و عراق به وسیله‌ی سلاح شیمیایی‌ای که صدام به کار برد نابود شدند یا آسیب دیدند؛ هنوز در بین مردم ما جوانهایی که آن روز آسیب دیدند وجود دارند، حضور دارند و رنج میبرند. اینها مخالف [سلاح شیمیایی] نیستند؛ اینها به‌خاطر اهداف استعماری و دیکتاتوری بین‌المللی خودشان وارد اقدام میشوند و متهم میکنند این و آن را به دیکتاتوری، [درحالی‌که] خودشان دیکتاتور بین‌المللی‌اند.

